

تحلیل عوامل مؤثر بر بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات شهر مشهد به روش تحلیل تاریخچه رویداد

محسن نوغانی* - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حمید مسعودی - دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه فردوسی و پژوهشگر جهاد دانشگاهی، مشهد، ایران

Analysis of factors affecting the survival of the membership of the Social Council of the city of Mashhad, event history analysis

Abstract

This study aimed to analyze the factors affecting the survival of the membership of the Social Council of the city of Mashhad. In this study, using a comprehensive system, information is collected about the neighborhood community council members. On the other hand, using survival analysis to has been examine three issues, the survival, factors affecting the survival and the survival graph of Council members. Among the survival factors three areas is considered, individual factors, the council and the region. The findings show that 70 percent chance of survival in the Social Council communities. Indicators related to the performance of the council have the greatest impact on member's survival. Leaving Probability of women and young people are more than others. The variables meetings Number, decisions and community members increase survival and variables that reduce its the number of missing, number of council members, credit rating, ranking social status, number of Council in Regional, local population and local problems are survival of its members. The end of article, regarding the research findings provide recommendations as appropriate approvals and meetings with potential members, organizational support and headquarters management by the council.

Keywords: Social Council of Neighborhoods, event history analysis, Mashhad, survival analysis

چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل عوامل مؤثر بر بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات شهر مشهد می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از سامانه جامع اعضای شورای اجتماعی محلات اطلاعات مربوط گردآوری شده است. از سوی دیگر با استفاده از روش تحلیل بقا به بررسی سه مسئله میزان بقا، عوامل مؤثر بر بقا و نمودار بقا اعضای شورا پرداخته شده است. در بین عوامل بقا سه حیطة عوامل فردی، شواری و منطقه در نظر گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۷۰ درصد احتمال بقا در شورای اجتماعی محلات می‌باشد. از سوی دیگر، شاخص‌های مرتبط با عملکرد شورا بیشترین تأثیر را بر بقای اعضا دارد. احتمال ترک عضویت زنان و افراد جوان بیشتر از سایرین است. از سوی دیگر متغیرهای تعداد جلسات، مصوبات و محله افزاینده بقای اعضا و متغیرهای کاهنده تعداد غیبت، تعداد اعضای شورا، رتبه اعتبار مالی، رتبه منزلت اجتماعی، تعداد شورای منطقه، جمعیت محله و مشکلات محله میزان بقای اعضای شورا هستند. در پایان مقاله نیز به ارائه پیشنهادهایی با توجه به یافته‌های پژوهش همچون تناسب مصوبات و جلسات با توان اعضا، حمایت سازمانی و مدیریت ستادی شوراها همت گمارده شده است.

واژگان کلیدی: شورای اجتماعی محلات، تحلیل تاریخچه رویداد، شهر مشهد، تحلیل بقا

مقدمه

شهر به عنوان یک نظام دارای عناصر گوناگونی است و به صورت مداوم بر آنها اثر می‌گذارد و یا از آنها تاثیر می‌پذیرد. این نظام دارای تقسیمات کوچکتری با عنوان محله می‌باشد. در فرایند کنونی برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی شهری، استفاده از راهبردهای مشارکتی و رویکرد برنامه‌ریزی از پایین به بالا به تدریج مورد اجماع نظر برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است. استفاده از راهبرد مشارکتی به منظور تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی در خصوص حل مسائل شهری مبتنی بر اجتماعات محله‌ای و با هدف تامین شرایط لازم برای رفاه شهروندان است (اوانا، ۲۰۰۱، ص ۱۰۳)؛ بطوریکه می‌توان گفت برنامه‌ریزی‌های مشارکتی، سبب ارتقای کیفی جوامع شهری و گرایش به توسعه‌ای خودجوش از درون جامعه می‌گردد. مشارکت اجتماعی مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که بر خصوصیات چگونگی سهم شدن در یک فعالیت جمعی، درگیری ذهنی و روانی در موقعیت‌های تیمی، دستیابی به هدف‌های گروهی، اختیاری بودن، تمرکز زدایی و ... تاکید شده است.

یکی از راه‌های مشارکت مردم در اداره‌ی امور، ایجاد و توسعه‌ی سازمان‌های محلی می‌باشد. تقریباً در تمامی کشورهای جهان تقویت و تجدید نظر در چگونگی فعالیت سازمان‌های محلی در سرلوحه‌ی برنامه‌های اصلاحی قرار دارد. در کشورهایی که به افکار و عقاید مردم احترام گذاشته می‌شود، سازمان‌های محلی به معنای صحیح کلمه وجود دارند؛ یعنی مردم محل در مسائل مربوط به امور محل مشارکت دارند و پس از ایجاد سازمان محلی تا آنجا که امکان دارد در پیشرفت نیت و مقاصد سازمان به آن کمک می‌کنند (آذربایجانی و دریایی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر برای اصلاحات سازمانی و خلق نهادهای سیاسی برای رویارویی با این چالش‌ها تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و استقرار اشکال سازمانی با عنوان حکومت شهری با مشکل روبرو بوده است (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷).

برای این منظور مشارکت در اینگونه برنامه‌ریزی‌های از پایین به بالا که با تشکیل انجمن‌ها، شوراهای و تشکلهای مردمی در محلات محقق می‌شود به تقویت جامعه مدنی منجر می‌گردد و افراد حاضر در اینگونه تشکلهای سعی در تجدید حیات اجتماعی و حفاظت از حوزه عمومی محله دارند (گیدنز، ۱۳۸۹). در ایران نیز این نقش به شوراهای

اسلامی شهرها، مجلس شورای اسلامی، انجمن‌های مردمی و سازمان‌های مردم نهاد و به طور استثناء در شهر مشهد به شورای اجتماعی محلات واگذار شده است. این نقش با توجه به محله محوری اهمیت دوچندان دارد به طوریکه، می‌توان گفت که خروج از توسعه نیافتگی محلات مستلزم اقدامات جامع و یکپارچه در تمامی بخش‌های مرتبط با توسعه در چارچوب مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای است. از این رو مشارکت شهروندی، برنامه‌ریزی در سطح محله‌ای و توانمندسازی ساکنان محلات از نظر معیارهای اقتصادی و اجتماعی به نحوی که در توسعه محلات اثرگذار باشد، ضروری است (محمدی و پاشازاده، ۱۳۹۳، ص ۶۱). شهرداری مشهد با توجه به شناسایی پتانسیل‌های موجود در محلات و رفع مشکلات موجود، اقدام به تاسیس شورای اجتماعی محلات نموده است که از آغاز آن حدود ۶ سال می‌گذرد. از مهمترین اهداف شورای اجتماعی محلات نیز افزایش مشارکت‌های اجتماعی، تقویت هویت محلات، افزایش اعتماد اجتماعی، شناسایی و بهره‌گیری هدفمند از فرصت‌های اجتماعی محلات، نهادینه‌سازی نظارت همگانی و ... است. از سوی دیگر اعضای منتخب در چارچوب قوانین مدون و در زمان معین به صورت داوطلبانه و آگاهانه انتخاب می‌شوند (دبیرخانه شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، ۱۳۹۳).

مشارکت مردم در عضویت در شوراهای محلی موضوعی است که امروزه در اغلب پژوهش‌ها بدان توجه شده است ولی در این بین توجه به جدایی افراد عضو و خروج آنها از این انجمن‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به طوریکه، با توجه به آمار دریافت شده از دبیرخانه شورا در سال ۱۳۹۳، ۱۵۰۰ عضو در این شورا فعالیت دارند. از این تعداد تاکنون ۱۵۰ نفر به دلایل مختلف انصراف داده اند؛ بنابراین مسئله این پژوهش نیز این است که با توجه به سرمایه و هزینه‌های بالایی که برای تشکیل و اداره شورای اجتماعی محلات شده است، اعضا از مشارکت خود انصراف می‌دهند و عوامل مختلفی نیز بر این انصراف مؤثر بوده و هر فرد که منصرف می‌شود دلایل خاصی دارد. این مهم نیازمند استفاده از روش‌های جدید در بررسی میزان بقاء و ماندگاری افراد است که مشابه روش‌های مرسوم در پزشکی به آن تجزیه و تحلیل بقاء می‌گوییم و

۱. آغاز به کار رسمی شورای اجتماعی محلات ۱۳۸۹ بوده و در آن سال به صورت پایلوت محلی حدود ۳۵ نفر به عضویت شورا در آمده اند. اما در سال‌های بعد تعداد افزوده شد.

هدف اصلی آن نیز سنجش میزان ماندگاری افراد در گروه ها، انجمن ها و مواردی از این قسم است.

پیشینه تجربی

در رابطه با شوراهای اجتماعی محلات پژوهشی صورت نگرفته است ولی از آنجا که عملکرد این شورا تا حدودی مشابه شوراهای شهرهای دیگر است در این رابطه به تعدادی از پژوهش‌ها اشاره می‌گردد. ایمانی جارجرمی و نوابی (۱۳۹۳) در رابطه با شوراهای روستایی بیان می‌کند که، عواملی چون شفافیت، ضمانت اجرایی، جامعیت و... در قانون و ابعاد نهادی، اجتماعی مانند تمرکززدایی و انعطاف نهادها، حمایت‌های دولتی به منظور افزایش اطمینان، مشروعیت دهیاری، میزان آشنایی دهیار با قوانین و روند فعالیت‌ها، روابط مبتنی بر اعتماد بین مردم روستا و دهیاری و حکومت مرکزی، شفافیت برنامه‌های دهیاری، آگاهی روستاییان، عدم وابستگی آنها و گرایش به تغییر نقاطی است که در صورت ارتقا، بر اساس ویژگی‌های هر روستا، ظرفیت‌های مشارکتی محسوب خواهند شد. شهرانی و همکاران (۱۳۹۱)، ضعف اصلی حوزه داوطلبان هلال احمر در جذب و نگهداری اعضاء در مواردی همچون ناکافی بودن اطلاع رسانی و تبلیغات، نبود برنامه و سازماندهی مناسب جهت بهره‌گیری از توانایی داوطلبان، اجرای برنامه‌های یک طرفه به سود جمعیت و نداشتن هیچ منفعتی برای داوطلبان، آشنایی اندک سرگروه‌های رسته‌های چهارگانه با دستورالعمل‌ها و وظایف داوطلبان، پرداخت مبلغ بالای حق عضویت بدون توجیه، تقسیم‌بندی غیرکارشناسی داوطلبان در رشته‌های چهارگانه و عدم برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای داوطلبان می‌داند. پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۱) بیان می‌کنند، وجود قوانین مبهم و نظام اداری متمرکز به عدم کارایی مناسب شوراهای اسلامی منجر می‌شود و حوزه عمل و اختیارات آن‌ها را محدود می‌کند. در این شرایط، به جای توزیع قدرت در دست نهادهای مردمی مانند شوراهای شورایی‌ها و شهرداری‌ها، قدرت در دست حکومت مرکزی متمرکز خواهد بود و این نهادهای مردمی به جای تمرکززدایی به حمایت خواهی از دولت و تمرکزگرایی شدیدتر قدرت در دست دولت مرکزی دامن می‌زنند. مشکینی و همکاران (۱۳۹۱) مهمترین شاخص مشارکت را میزان شکل‌گیری نهادهای مردمی همچون هیئت‌های مذهبی، شوراییاری، صندوق قرض الحسنه و

غیره می‌دانند. از سوی دیگر میزان همکاری با سازمان‌های شهری همچون شورای شهر، شهرداری، شرکت عمران و... کمترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد. جالب توجه این است که مهمترین دلیل مشارکت ضعیف شهروندان در مدیریت شهری و همکاری با سازمان‌های شهری به آمرانه بودن مدیریت و نگاه از بالا به پایین در جمعیت پذیری شهرهای جدید مربوط می‌شود. رسولی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسند که مردم از عملکرد شورای شهرهای استان آذربایجان شرقی در نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا، مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، فرهنگی، ارشادی، تأسیس تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف، وضع مقررات و نظارت بر حفاری و مسیرهای تأسیسات شهری، ایجاد و توسعه معابر، خیابان‌ها و میدانی و فضاهای سبز و تأسیسات عمومی شهر و وضع مقررات مربوط به ایجاد و اداره میدانی میوه و تره بار رضایت کمی دارند. معمارزاده (۱۳۸۸) به انجام پژوهشی برای آرایه الگویی اثربخش از عملکرد شوراهای اسلامی شهر (مطالعه موردی: شورای اسلامی شهر تبریز) پرداخته است. در این پژوهش شوراهای اسلامی شهر بعنوان یک سیستم باز سازمانی در نظر گرفته شده اند که دارای چهار نوع فعالیت به شرح فعالیت‌های درون سازمانی، میان سازمانی، برون سازمانی و فعالیت‌های فردی هستند و مدل آرایه شده در واقع تناسب بهینه بین این فعالیت‌ها است که رضایت ذینفعان شوراهای را حداکثر می‌کند. آذربایجانی و دریایی (۱۳۸۶) در بررسی تاثیر عملکرد شوراهای شهر بر اثربخشی شهرداری‌ها، بیان می‌کنند که از دید کارکنان، بین اثربخشی شهرداری قبل و بعد از تشکیل شورا تفاوت معناداری وجود ندارد؛ این در حالی است که شهرداران انتخابی شورا ضعیف تر بوده اند. از دید شهروندان بین اثربخشی شهرداری قبل و بعد از تشکیل شورا تفاوت معناداری وجود دارد این در حالی است که در زمینه انتخاب شهردار تفاوت معناداری وجود ندارد. ازکیا و ایمانی (۱۳۸۴)، بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر با استفاده از رهیافت کیفی (نظریه بنیانی) با هدف شناخت عوامل موثر بر عملکرد آن‌ها و ارزیابی نظریه سرمایه اجتماعی، انجام داده اند. به بیان آنها شرایط علی (فقدان سنت‌های دمکراتیک)، (نظام اداری متمرکز) و (قوانین مبهم) منجر به پدیده (فقدان نهادینگی)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۱ تابستان ۱۳۹۷
No.51 Summer 2018

در شوراها می‌شوند و حوزه عمل و اختیارات آن‌ها را محدود می‌کنند. در این وضعیت اعضای شورای شهر با اتخاذ راهبردهای (نهاد خواهی) و (حمایت خواهی) از دولت، با پدیده فقدان نهادینگی مقابله می‌کنند. پیامدهای این راهبردها برای اعضای شوراهای مورد مطالعه، (نگرانی)، (امتناع از مشارکت)، (امیدواری) و (کارایی) بوده‌اند. با وجود تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمان‌های دموکراتیک، آنچه در تجربه ایران باید مورد توجه قرار گیرد؛ مسئله (نهادینگی) سازمان‌های مذکور به معنای ساختارهای حقوقی- اداری کارآمد و تجربه‌های عمل جمعی دموکراتیک است. وگل سانگ کومبز^۲ (۲۰۱۲) در بررسی خود با رویکرد شورای شهر مدنی به این نتیجه می‌رسد که شوراهای امروزی بایستی ضمن داشتن همبستگی بین اعضا و چارچوب شهری خود به سمت مهارت‌های رهبری، مدیریت گروه و فعالیت گروهی حرکت کرده و در نهایت اینکه، ضمن توجه به تاریخ شهرها، وضعیت اخلاق اجتماعی در شهر به موضوع مشارکت شهروندان به روش‌های نوین در مدیریت شهری توجه ویژه نمایند. این مهم سبب پاربرجایی شورای شهر و در نتیجه گذران امورات شهری خواهد شد. جانسون^۳ (۲۰۰۷) نیز در پژوهشی در زمینه مشارکت اعضای شورای شهر در فعالیت گروهی به بررسی فعالیت جمعی در کمیته‌های شورای شهر و همیاری دولت به شهرها به این نتیجه می‌رسد که فعالیت در شورای شهر بین فعالیت بر اساس سیاست محلی و همچنین قوانین سازمانی و ملی محدود شده است. از سوی دیگر ساختارهای شورای شهر نیز از این قاعده مستثنی نیست و در نتیجه با توجه به قوانین کشورها، ساختار شوراهای محلی نیز با یکدیگر متفاوت است؛ بنابراین در این پژوهش آنها سعی می‌کنند بهترین ساختار مشارکتی را مبتنی بر این دو حدود مشخص نمایند. در این بین توجه به همیاری دولت‌ها، ساختار شورا و مشارکت مردم و اعضا مورد توجه قرار گرفته است. مالونی و همکاران^۴ (۲۰۰۰)، در پژوهشی به بررسی جایگاه مدیریت شهری در سرمایه اجتماعی با توجه به رویکرد بالا به پایین می‌پردازند. به نظر آنها، سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های سیاسی جایگاه خاصی یافته و آنها نیز از مکتب پوتنام در پژوهش خود

استفاده می‌کنند. به بیان آنها این مکتب فاقد دو رویکرد اصلی است. اول اینکه به نقش اقتدار عمومی در ایجاد سرمایه اجتماعی توجهی نکرده است؛ و دوم ساختار قدرت نمی‌تواند به سادگی از کنار فعالیت‌های نهادی همچون شوراها و انجمن‌ها عبور کند. مفهوم ساختار اقتدار سیاسی چارچوبی را برای تحلیل سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند. در نهایت این رویکرد نگاه تقویت سرمایه اجتماعی از بالا به پایین را مورد کنکاش خود قرار می‌دهد. لاونز و ویلسون^۵ (۲۰۰۱)، نیز در پژوهش خود به بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری می‌پردازند. به نظر آنها، جهت بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی بایستی به دنبال کشف و طراحی متغیرهای نهادی رسید. بدین ترتیب، آنها نیز در پژوهش خود به نظریه سرمایه اجتماعی پوتنام و دو جنبه نظریه وی یعنی محور جامعه مرکز و دولت ارزشی در عامل‌های سیاسی اشاره می‌کنند. آنها بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی در دولت‌های دموکراتیک امری لازم است و بنابراین در همین زمینه بایستی به ظهور انجمن‌ها و شوراها و گروه‌های مردمی بیشتر توجه نمود.

مدل مفهومی و فرضیات پژوهش

مشارکت فرایندی است که از طریق آن مردم بر روی تصمیمات و منابعی که آنها را متأثر می‌سازد، اثر گذاشته و در آنها سهیم می‌شوند (ریترگن و مک کراگن^۶، ۱۹۹۸، ص ۴). بر این مبنا مشارکت مشمول درگیری تمام عیار مردم در کلیه مراحل برنامه‌ریزی و طراحی به‌منظور بهبود وضعیت و بهره‌گیری از توان نهفته آنان در قالب یک سازمان جمعی است. در واقع مشارکت، مردم را با امکانات و محدودیت‌های پیرامون خود آشنا می‌کند. مردم با مشارکت یاد می‌گیرند که نه به صورت افراد مجزا، بلکه در قالب گروه‌های اجتماعی کار عضویت در شبکه‌های اجتماعی کنند و قدرت بالقوه خود را در سطوح گوناگون به منصه ظهور برسانند (صیدائی و همکاران، ۱۳۸۹).

بنابراین مشارکت استفاده مناسب از مشاوره مردم است که میزان قابل توجهی موجب واقع‌گرایی در تدوین اهداف و قابلیت‌های اجرایی طرحها و اتکاء طرح بر داده‌های موثق و دقیق می‌شود و تضمین کننده موفقیت طرح‌های شهری می‌گردد (معزی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۹۹)؛ اما مشارکت شهروندان در سطوح مختلف و درجات متفاوت تحقق

2. Vogel sang Coombs, V.

3. Bertram Johnson

4. Maloney, W. Smith, G. & Stoker, G.

5. Lowndes, V. & Wilson, D.

6. Rietbergen-McCracken

می‌یابد، به عبارت دیگر بین وارد شدن در مشارکت تشریفاتی و ساختگی و مشارکتی که نشانگر قدرت واقعی تأثیر در نتایج و فرایند برنامه ریزی هاست، تفاوت وجود دارد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۵). این نکته بسیار مهم، باید در تمامی برنامه‌های مدیریت شهری و حکمرانی شهری، مورد توجه متخصصان برنامه‌ریزی و مدیریت و سیاستگذاران قرار گیرد (آرنستینز، ۱۹۶۹، ص ۲۱).

پل در سال ۱۹۸۸ چهار سطح را برای مشارکت در اجتماعات محلی شناسایی کرد: سطح اول: تسهیم اطلاعات (پایینترین سطح)، سطح دوم: مشاوره، سطح سوم: تصمیم‌گیری، سطح چهارم: اقدام به عمل (بالترین سطح)، (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ص ۴۴)؛ به عبارت دیگر هرچه مشارکت شهروندان به سطح اقدام نزدیکتر باشد، مشارکت بیشتر به منصف ظهور رسیده است. لذا شورای اجتماعی محلات که هم در تصمیم‌گیری برنامه‌های شهر مشهود و همچنین در سطح اقدام به عمل مشارکتی وارد می‌شود می‌تواند نمونه بارز مشارکت در محلات باشد. شورای اجتماعی محلات پس از انتخاب در جریان برنامه‌های شهرداری قرار گرفته، برنامه‌های جدید را با نظر شهرداری تصویب نموده و به نوعی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرده و در نهایت یکی از اعضا مسئول اقدام معرفی می‌گردد (مسعودی، ۱۳۹۱).

در تبیین ساختاری کارکردی مدیریت مشارکتی شهری شهر مشهد دو نیمه‌ی «از بالا به پایین» (سازمان‌های شهری) و «از پایین به بالا» (شورای شهر و شهرداری) در ساختار مدیریت شهری مشهود، به طور همزمان و هم تراز فعالیت دارند (دوگانگی ساختاری)، به گونه‌ای که نیمه‌ی «از بالا به پایین»، یک کارکرد به نسبت غیرمشارکتی و نیمه‌ی «از پایین به بالا» یک کارکرد نسبی مشارکتی را از خود آشکار می‌کند (دوگانگی کارکردی). بنابراین به دنبال «دوگانگی ساختاری»، «کارکرد نیمه مشارکتی» نیز از ویژگی‌های مدیریت شهری مشهود است. در تبیین این دوگانگی باید گفت: در نیمه‌ی «از بالا به پایین» (سازمان‌های شهری)، منبع اصلی تأثیرپذیری و به دنبال آن، طرف پاسخ‌خواه، سازمان‌های فرادست هستند، در صورتی که در نیمه‌ی «از پایین به بالا» (شهرداری شورای شهر)، منبع اصلی تأثیرپذیری و به دنبال آن، طرف پاسخ‌خواه، شهروندان هستند. گذرنکردن برنامه‌های سازمان‌های شهری، از صافی شورای شهر و همچنین، نبود مدیریت یکپارچه نیز، از مهم‌ترین چالش‌های پیشروی مدیریت مشارکتی شهری

است (صادقی و رهنما، ۱۳۹۲).

ظرفه روی اجتماعی در توصیف پدیده کاهش تلاش افراد در کار، زمانی که در قالب یک گروه همکاری می‌کنند، به کار برده می‌شود و بر خلاف عقیده رایج مبنی بر اینکه زمانی که افراد با یکدیگر در قالب تیم یا گروه همکاری می‌کنند، تیم یا گروه تلاش بیشتر افراد را موجب می‌گردد، در عالم واقع صادق نیست بلکه به کاهش بهره‌وری آن‌ها می‌انجامد (لاتان و همکاران، ۱۹۷۹). در این رابطه موارد چندی توسط پژوهشگران مختلف ارائه شده است، از جمله این موارد در سطح فعالیت می‌توان به متمایز نبودن سهم کار هر فرد، تعریف نشدن فعالیت گروهی، نبود استاندارد ساختاری و گروهی، انگیزشی نبودن فعالیت گروهی در سطح گروه نیز عوامل بزرگ بودن اندازه گروه، نبود ارزیابی و نظارت بر افراد، فضای نامناسب گروه و عوامل فردی همچون ادراک ظرفه روی سایر اعضا توسط فرد، وجود ویژگی‌های فردگرایی در افراد اشاره کرده و پنج نوع ظرفه روی تلافی جویانه، ناشی از ناامیدی، برای کم رنگ کردن، برای گوشه‌گیری و برای بالاتر بردن خود نام می‌برند (چیت سزایان و مرتضوی، ۱۳۸۹). با توجه به اساس نامه شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، عضویت در این شورا داوطلبانه بوده و انگیزه‌های مختلفی در پس آن نهفته است. در این زمینه چلبی (۱۳۷۵) ارادی بودن عضویت و داوطلبانه بودن فعالیت در این گروه‌ها، وجود نوعی گرمی روابط در آن، غیر انتفاعی بودن، مجاب سازی به عنوان اصل محوری تنظیم روابط و در نهایت رعایت اصل سازماندهی رسمی را بخشی از علل عضویت افراد در این نوع گروه‌ها می‌نامد (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۲).

از سوی دیگر، خدایی و اکبری تأکید می‌کنند که علل عضویت افراد در این نوع گروه‌ها در دسته‌هایی کلی همچون سیستم‌های ارزشی، چارچوبهای فرهنگی نهادینه شده و پیوستگی اجتماعی (تئوری‌های مشارکت، بوردیو)، دموکراتیزه شدن، مدرنیزاسیون قرار گرفته و سایر موارد همچون اعتماد، مذهب، جنسیت، نژاد و قومیت، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و ابعاد آن را نیز می‌توان نام برد (خدایی و اکبری، ۱۳۸۷)؛ اما می‌توانیم اینگونه استنباط کنیم که هرگاه نوع انجمن خاص شود، شاخص‌های مؤثر نیز می‌تواند از زوایایی خاصی علت مشارکت افراد باشد. در شورای اجتماعی محلات نیز در بررسی علل

7. Latane, Bibb & Williams, Kipling & Stephen Harkins

عضویت افراد در این شورا به مواردی همچون انجام رفتار خیرخواهانه، خدمت به شهروندان، رضای خدا، حل مشکلات مردم محله، افزایش نظارت علاقه شخصی، ارتباط با جامعه و شهروندان و در نهایت اعمال نظر در برنامه‌های شهرداری اشاره شده است (مسعودی، ۱۳۹۱).

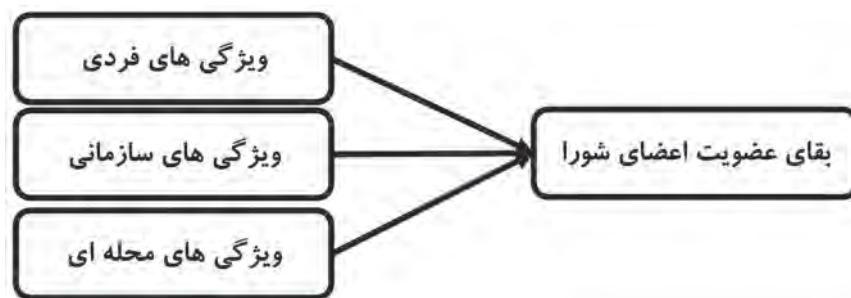
همچنین عضویت در گروه‌های انجمنی و داوطلبانه سبب افزایش اطلاعات و دانش افراد می‌گردد و آنها در تصمیم‌گیری خود در زندگی اجتماعی و در نتیجه افزایش مشارکت نقش خواهند داشت. پژوهش‌های انجام شده در مورد همکاری و مشارکت مردم در قالب نهادهای مردمی توسط اندیشمندان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ به طوریکه کلمن (۱۹۸۸)، در زمینه مشارکت در امور مدرسه، بوردیو (۱۹۸۵) نیز در همین زمینه، پاتنام (۱۹۹۳)، در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا و فوکویاما (۱۹۹۹) درباره رشد و توسعه اقتصادی کشورها و در ایران نیز صبوری کاشانی (۱۳۵۴)، محسنی تبریزی (۱۳۷۳) و قالیباف (۱۳۸۰) در مورد دولت‌های محلی به این نتیجه می‌رسند که دولت به سمت تمرکز زدایی قدرت رفته و در حال حاضر سهم مردم در امور محلی اندک است (خدایی و اکبری، ۱۳۸۷). در بسیاری از پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی، تأثیر شاخص‌های داوطلبی، رفتارهای داوطلبانه، انجمن‌های داوطلبانه، روحیه داوطلبی و داوطلب‌گرایی مدنی بر سرمایه اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و ارزشی آن مورد توجه بوده است (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، در بسیاری از پژوهش‌ها این نتیجه غاید شده است که عضویت در گروه‌های اجتماعی به نوعی افزایش، گسترش و تعمیق سرمایه اجتماعی افراد است. به طوریکه، تقویت کارایی کارکرد زندگی اجتماعی و سیاسی، تقویت شبکه‌های متراکم اجتماعی و ترویج فرهنگ انجمنی، قوت زندگی انجمنی، مشارکت داوطلبانه در سازمان‌ها و انجمن‌ها، ارتقای اعتماد اجتماعی با خلق شبکه‌های اجتماعی، روحیه دینداری و مذهبی بودن، افزایش سرمایه اجتماعی از جمله محورهای مورد بحث در این زمینه می‌باشد (خدایی و اکبری، ۱۳۸۷). با توجه به این مبانی می‌توانیم ترک عضویت را در دو بعد زیر تقسیم بندی کنیم:

الف: ضعف متغیرهای عضویت ابتدایی ب: ضعف عملکرد شورای اجتماعی محلات پس از عضویت

در هر دو بخش اگر مشکلاتی بوجود آید اعضا از عضویت خود انصراف می‌دهند. به طوریکه ازکیا و ایمانی (۱۳۸۴) در بررسی جامعه شناختی عوامل کارایی شوراهای اسلامی شهر به این نتیجه می‌رسند که، فقدان سنت‌های دموکراتیک، نظام اداری متمرکز و قوانین مبهم منجر به پدیده فقدان نهادینگی در شوراها شده و حوزه عمل و اختیارات آنها را محدود کرده و در این وضعیت اعضای شورا با اتخاذ راهبردهای نهادخواهی و حمایت خواهی از دولت با پدیده فقدان نهادینگی مقابله می‌کنند. در نتیجه پیامدهای این راهبردها برای اعضای شوراها، چهار رویکرد نگرانی (خوش بین نبودن به آینده و موفقیت شورا)، امتناع از مشارکت (ترک عضویت یا عدم مشارکت در انتخابات آتی)، امیدواری (خوش بین بودن به گسترش اختیارات و موفقیت) و کارایی (تلاش بیشتر برای موفقیت شورا) را به دنبال دارد.

در تعریف شورای اجتماعی محله آمده است که شورایی محلی است که با عضویت حداقل ۱۱ نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی به عنوان رابط اقشار و صنوف مختلف اعم از امام جماعت مسجد، مدیر مدرسه، خیر محله، نماینده مجتمع مسکونی، نماینده تشکل مردمی، بانوی خانه دار، کاسب محله، رابط سلامت، جوان محله، پژوهشگر محله، پیشکسوت محله، رابط دادگستری یا کلانتری، یک نفر از اقشار غالب محله تشکیل و اعضای آن در چهارچوب قوانین مدون و در زمان معین به صورت افتخاری و داوطلبانه فعالیت می‌نمایند. لذا، تشکیل شورای اجتماعی محله در قالب نظام شورایی که مورد تاکید دین مبین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، با رویکرد محله محور و در راستای افزایش مشارکت‌های اجتماعی می‌تواند پاسخی به نیاز مدیریت شهری در اداره ی مناسب تر امور شهر باشد. اهداف کلان این شورا به شرح زیر می‌باشد:

- تقویت فعالیت‌های جمعی مبتنی بر آموزه‌های دینی
- افزایش مشارکت‌های اجتماعی در اداره ی شهر
- تقویت هویت محلات مشهد در راستای افزایش تعلق شهری



- نهادینه سازی نظارت های همگانی با توجه به انگیزه عضویت افراد در انجمن های مردم نهاد، شورای شهر و گروه های اجتماعی این نتیجه عاید شده است که سه محور، ویژگی های فردی، سازمانی و گروهی سه محور اصلی است و در این رابطه نیز با توجه به رویکرد اصلی پژوهش سه فرضیه اصلی زیر بررسی می گردد:

- ویژگی های فردی یا جمعیت شناختی اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر است.
 - ویژگی های سازمانی یا شورایی اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر است.
 - ویژگی های محله ای یا شهری اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر است.
- هدف اصلی پژوهش حاضر نیز این است که نشان دهد چه عواملی بیشترین تأثیر را بر ماندگاری یا بقای اعضای شورای اجتماعی محلات در آن را دارند. (شکل بالا)

روش تحقیق

روش انجام پژوهش تحلیل بقاء است. تحلیل بقاء مجموعه آماری متنوع برای تجزیه و تحلیل متغیرهای تصادفی دارای مقادیر مثبت می باشد. این نوع تجزیه و تحلیل در حوزه های مختلفی از علوم و فنون توسعه و گسترش فراوانی یافته است. یکی از برجسته ترین مشخصات آنها، زمان از کارافتادگی یک پدیده فیزیکی (مکانیکی یا الکتریکی)، زمان مرگ یک واحد بیولوژیک (انسان، حیوان یا سلول زنده) و ... می باشد. در حالی که تجزیه و تحلیل بقاء به کارهای ابتدائی در قالب جداول مرگ و میر نسبت داده می شود. ولی باید گفت که دوره نوین آن با کاربرد در مهندسی آغاز و بیشتر تحقیقات آماری در علوم مهندسی که قبلاً روی مدل های پارامتری متمرکز بود با گذشت چند

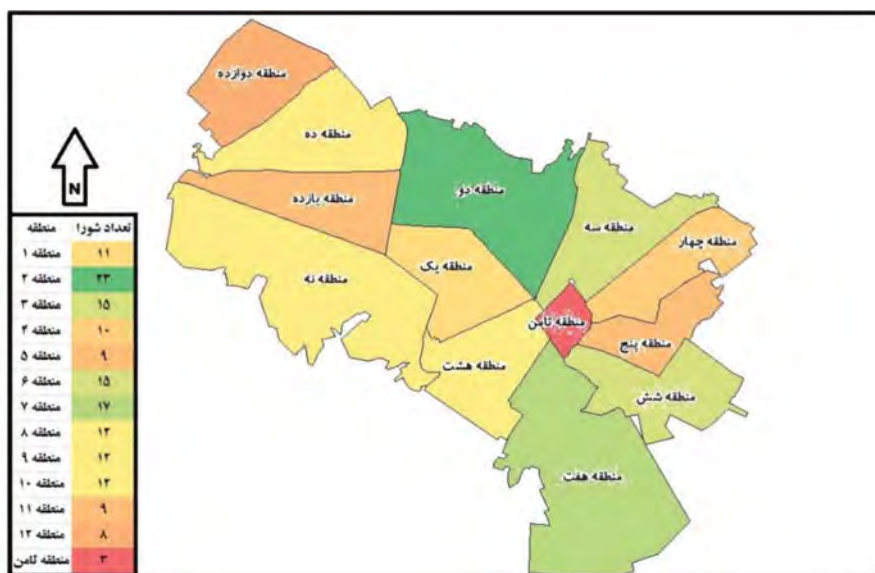
دهه و با افزایش تعداد آزمایشات تجربی، ناچار از استفاده از مدل های پارامتری بقاء گردیدند (ترکی نجف آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۲). در این پژوهش نیز منظور از بقاء، باقی ماندن یا عضو ماندن اعضای شورای اجتماعی محلات شهر مشهد می باشد. داده های مربوط به این پژوهش بر اساس اطاعات درج شده در سامانه عضویت اعضای شورا دریافت شده است^۸. به طوری که اطاعات جمعیت شناختی، شهری و سازمانی ۱۵۰۰ نفر از اعضای شورای اجتماعی محلات که ۱۵۰ نفر از آنها انصرافی بوده و تاریخ انصرافشان مشخص است، دریافت شده است. داده ها نیز پس از ویرایش با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شایان ذکر است که بررسی ۱۵۰۰ نفر امری غیر ممکن بوده و در نتیجه با استفاده از نرم افزار NCSS PASS به انتخاب نمونه ای تصادفی اقدام نمودیم. در این روش تعداد ۱۱۷ نفر انتخاب شده اند که ۵۰ نفر آنها ترک عضویت کرده و مابقی نیز عضو می باشند. گفتنی است که این تعداد حداقل ممکن برای انجام تجزیه و تحلیل بقاء می باشد. از سوی دیگر اگرچه در اغلب مطالعات بقاء نیاز به پیگیری موردها از ابتدای مطالعه است ولی در این پژوهش با توجه به سامانه ثبت اطاعات این مهم وجود داشته است. شاخص های مورد توجه در این پژوهش نیز در سه بخش زیر خلاصه شده است:

الف: شاخص های جمعیت شناختی: شامل جنسیت، تحصیلات، سن.

ب: شاخص های مربوط به شورای محله (سازمانی): تعداد اعضای فعال، تعداد غایبین کلی، تعداد شورای محلات منطقه، تعداد جلسات، تعداد مصوبات اجرا شده، رتبه بودجه تخصیصی، تعداد اعضای فعال.

ج: شاخص های مربوط به محله و شهر: رتبه منزلت اجتماعی محله، تعداد شورای منطقه، میزان جمعیت محله،

۸. با تشکر از جناب آقای ابراهیمی مسئول محترم دبیرخانه شورای اجتماعی محلات شهر مشهد که اطاعات فوق را در اختیار ما قرار داده اند.



شکل ۲. نمایش پراکندگی تعداد شورای اجتماعی محلات در مشهد؛ منبع: نگارنده.

و تحلیل قرار گرفتند، در ثانی میانگین سنی اعضا (۴۲،۲۸) بوده و از سوی دیگر ۶۴ درصد اعضا مرد و ۳۶ درصد دیگر نیز زن هستند. همچنین توصیف تحصیلات اعضا نیز نشان دهنده این است که ۱۲ درصد اعضا سیکل، ۲۷ درصد دیپلم، ۹ درصد کاردانی، ۴۰ درصد کارشناسی، ۱۰ درصد کارشناسی ارشد و ۲ درصد نیز دکتری هستند.

با توجه به جدول فوق مشخص است که میانگین تعداد جلسات در هر شورا منطقه ۶۱ جلسه بوده و کمترین آن منطقه ثامن و بیشترین آن نیز منطقه ۲ می باشد. همچنین میانگین تعداد اعضای فعال هر منطقه ۱۰۶ نفر و کمترین و بیشترین آن نیز به ترتیب منطقه ثامن و منطقه دو بوده، میانگین تعداد مصوبات اجرا شده در هر منطقه ۲۲ و کمترین و بیشترین آن ثامن و ۱۲ و منطقه سه می باشد. در نهایت اینکه میانگین رتبه تخصصی ۳،۸ از رقم کلی شهرداری می باشد.

تعداد مشکلات محله و تعداد محله منطقه.

یافته‌های پژوهش

پراکندگی تعداد شورای اجتماعی محلات شهر مشهد، در نقشه زیر نمایش داده شده است. با توجه به این نقشه بیشترین تعداد شورا در منطقه دو و کمترین آن نیز در منطقه ثامن قرار دارد.

به عبارتی دیگر سه خوشه توزیع شورای اجتماعی محلات به ترتیب خوشه اول (مناطق ۲، ۳، ۶ و ۷) خوشه دو (۱۰، ۹، ۸) و خوشه سه (مناطق ۱۲، ۱۱، ۴، ۵، ۱ و ثامن) قابل تشخیص است. با توجه به سامانه ثبت اطلاعات اعضا سه متغیر سن، جنسیت و تحصیلات آنها درج شده است که توصیف آنها نشان می دهد که اولاً در مجموع ۱۶۱۲ نفر اعضای فعال و غیرفعال (ترک عضویت نموده) مورد تجزیه

جدول ۱. توصیف وضعیت شورای اجتماعی محلات مشهد.

رتبه بودجه تخصصی ^۳	تعداد مصوبات اجرا شده ^۲	تعداد اعضای فعال ^۱	تعداد جلسات	منطقه
۳،۸	۲۲	۱۰۶	۶۱	میانگین مناطق
-	۳۰۰	۱۳۸۱	۷۹۲	جمع

۱. شاخصی است که در آن از نظر شورای محله فرد در مباحث شرکت کرده، غیبت کمتری نموده و در کل فعال است.
۲. اگر چه شورای اجتماعی هر محله مصوبات بسیاری دارد ولی تنها بخشی از آنها به دلیل محدودیت های اجرایی و مالی به اجرا در می آید.
۳. بودجه هر شورا در هر محله مشخص بوده و توسط شهرداری تأمین می گردد، اما به علت محرمانه بودن رتبه بندی شده و در این بخش آورده شده است.

جدول ۲. توصیف وضعیت مناطق مشهد در زمینه شورای اجتماعی محلات

عنوان منطقه	جمعیت	تعداد محله	تعداد شورا	فراوانی مشکلات مردم ^۱
میانگین	۲۱۵۹۵۸	۴	۴	۴۲۹۳
جمع	۲۸۰۷۴۶۴	۱۵۸	۱۵۶	۵۵۸۱۰

۱. این اعداد تعداد مشکلاتی است که در سال ۱۳۹۳ توسط مردم شهر مشهد به مرکز ۱۳۷ اعلام شده است. اگرچه این رقم در حال تغییر است ولی مسئله مهم رتبه بندی آن می‌باشد. که کدام محله بیشترین و کدام محله کمترین مشکلات را داشته است.

جدول ۳. جدول بقای اعضای شورای اجتماعی محلات مشهد

بازه زمانی	افراد وارد شده	بقای تجمعی	نرخ بقاء	نرخ خطر
۰	۱۶۱۲	۱,۰۰	۱,۰۰	۰,۰۰
۴	۱۶۱۱	۱,۰۰	۱,۰۰	۰,۰۰
۸	۱۵۳۹	۱,۰۰	۱,۰۰	۰,۰۰
۱۲	۱۳۸۶	۰,۹۹	۰,۹۹	۰,۰۰
۱۶	۱۲۳۸	۰,۹۹	۰,۹۹	۰,۰۰
۲۰	۱۱۱۱	۰,۹۸	۰,۹۹	۰,۰۰
۲۴	۹۱۶	۰,۹۰	۰,۹۳	۰,۰۲
۲۸	۶۵۶	۰,۹۰	۰,۹۹	۰,۰۰
۳۲	۶۱۱	۰,۹۰	۰,۱۰۰	۰,۰۰
۳۶	۵۶۰	۰,۸۷	۰,۹۷	۰,۰۱
۴۰	۳۸۵	۰,۸۵	۰,۹۹	۰,۰۰
۴۴	۲۷۴	۰,۸۴	۰,۹۸	۰,۰۰
۴۸	۲۲۲	۰,۷۳	۰,۸۶	۰,۰۴
۵۲	۲۴	۰,۶۵	۰,۸۹	۰,۰۳
۵۶	۱۲	۰,۶۵	۱,۰۰	۰,۰۰
۶۰	۱۲	۰,۴۶	۰,۷۱	۰,۰۰

جدول و نمودار بقای عضویت اعضا

در این بخش به ارائه متوسط بقاء، جدول بقاء^۹ و نمودار بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات در این شورا پرداخته شده است.

جدول ۳ نشان دهنده جدول بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات شهر مشهد می‌باشد. همانطور که در این جدول روشن است در ستون اول بازه‌های

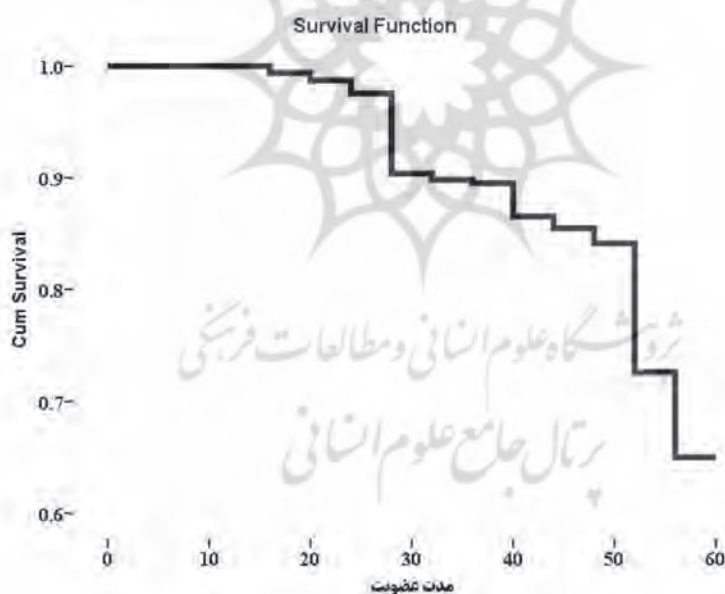
با توجه به جدول فوق میانگین جمعیت هر منطقه ۲۱۶ هزار نفر، میانگین تعداد محله در هر منطقه ۱۲ محله، میانگین فراوانی مشکل ۴۲۹۳ مشکل شهری در سال می‌باشد. در نهایت اینکه سه منطقه در خوشه بالا (۱)، سه منطقه در خوشه (۲)، سه منطقه در خوشه سه، سه منطقه در خوشه چهار و یک منطقه در خوشه پایین (۵) قرار دارد.

زمانی^{۱۱} آغاز هر دوره ۴ ماهه^{۱۱} نمایش داده شده است. در ستون دوم تعداد افرادی که در هر بازه وارد شورا شده اند^{۱۲} نشان داده شده است. این ستون نشان می‌دهد که اولاً فراوانی اعضای وارد شده با افزایش زمان کاهش می‌یابد. این بدان معنی است که اعضای که بیشترین زمان را در شورا باقی می‌مانند در حال کاهش هستند. ستون سوم احتمال بقای تجمعی^{۱۳} را نشان می‌دهد بعنوان مثال احتمال عضو باقیماندن تا یک سال ۱۰۰ درصد است. اما رفته رفته این درصد کاهش یافته و به ۴۶ درصد می‌رسد. این ستون نشان دهنده میزان باقیماندن در هر بازه زمانی است که منطقی با افزایش زمان کاهش نشان می‌دهد. در ستون بعد نرخ بقای اعضا نشان داده شده است و در هر بازه می‌توانیم نرخ بقاء^{۱۴} را ملاحظه نماییم. به طوریکه در رابطه با آخرین بازه نرخ بقاء ۷۰ درصد و در بازه‌های اول نیز نرخ بقاء ۱۰۰ درصد است. در نهایت در ستون آخر نیز نرخ خطر^{۱۵} نشان داده شده است که در برخی موارد به ۹۵ درصد می‌رسد. خطر در اینجا به معنای ترک عضویت

است. اما بهترین حالت نمایش بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات مشهد نمودار بقاء می‌باشد. نمودار زیر نشان دهنده میزان بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات شهر مشهد است. این نمودار دارای چند مشخصه است. اولاً طول پله‌ها با توجه به طول بازه زمانی برابر با ۴ ماه می‌باشد. در ثانی این نمودار همیشه در حال سقوط می‌باشد و هرچه به انتهای آن نزدیک می‌شویم یعنی احتمال بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات کاهش می‌یابد. در نهایت اینکه محققین با در نظر گرفتن هر بازه می‌توانند احتمال بقاء را حدس بزنند مثلاً در بازه ۵۰ تا ۵۴ ماه احتمال بقای اعضا ۷۰ درصد می‌باشد.

سنجش عوامل مؤثر بر بقای عضویت در شورا

حال با توجه به توصیف جدول و نمودار بقاء نوبت به بررسی فرضیات پژوهش و پاسخ به مسئله اصلی پژوهش می‌رسد. نکته حائز اهمیت این است که در پژوهش‌های



شکل ۳. نمودار بقای اعضای شورای اجتماعی محلات شهر مشهد

اجتماعی نیازمند متغیرهایی هستیم که به بهترین نحو بتوانند مسئله پژوهش را تبیین نمایند، اما در مطالعاتی که مبتنی بر گردآوری اطلاعات و آمار می‌باشد این مسئله نگرانی‌های خاصی را به دنبال دارد. در این پژوهش با تلاش و پیگیری فراوان متغیرهایی در سه گروه فردی، گروهی و شهری گردآوری شده است تا به بهترین نحو بتواند مسئله پژوهش را بسنجد. جهت سنجش عوامل مؤثر

10. Interval Start Time

۱۱. این بازه در اختیار محقق است و می‌تواند هر مقداری را اختیار نماید و ما نیز در این پژوهش بازه ۴ ماهه را در نظر گرفته ایم.

12. Number Entering Interval

13. Cumulative Proportion Surviving at End of Interval

14. Proportion Surviving

15. Hazard Rate

جدول ۴. برازش مدل رگرسیون کاکس

شاخص کلی	متغیرهای مستقل	مقدار B	خطای استاندارد	آماره والد	معناداری	نسبت بخت ها
ویژگی های فردی	جنسیت	-۰,۱۷۸	۰,۰۵۵	۱۰,۴۶۴	۰,۰۰۱	۰,۸۳۷
	تحصیلات	۰,۰۰۵	۰,۰۲۰	۰,۰۶۴	۰,۸۰۰	۱,۰۰۵
	سن	-۰,۰۲۰	۰,۰۰۳	۵۵,۷۳۰	۰,۰۰۰	۰,۹۸۰

1. Wald

2. Exp(B): Odds ratio

جدول زیر نتیجه نهایی آزمون رگرسیون کاکس و آزمون نهایی پژوهش می باشد.

با استفاده از رگرسیون کاکس به بررسی فرضیات اصلی پژوهش می پردازیم. اگرچه ساخت شاخص کلی و بررسی تأثیر آنها بر بقای اعضا از نظر مبانی روش و شاخص سازی اشتباه می باشد ولی دسته بندی فرضیات تنها به جهت سهولت ارائه و تحلیل یافته های می باشد.

در تفسیر آزمون رگرسیون کاکس نیز به سه آماره مقدار والد (معادل t در رگرسیون خطی)، مقدار معناداری و مقدار نسبت بخت ها (معادل بتا) توجه می کنیم. اگر نسبت بخت ها کمتر از ۱ باشد تأثیر منفی و اگر مثبت باشد تأثیر مثبت بر میزان بقای عضویت اعضا دارد. با توجه به جدول شماره (۱) این نتایج عاید شده است:

در رابطه با فرضیه اصلی اول: ویژگی های فردی با جمعیت شناختی اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر است. (جدول ۵)

از بین سه متغیر جنسیت، تحصیلات و سن، دو متغیر جنسیت و سن بر زمان بقای اعضای شورای اجتماعی محلات مؤثر بوده ولی متغیر تحصیلات مؤثر نمی باشد. با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت ها در رابطه با متغیر جنسیت (کد ۱ مرد، کد ۲ زن) کمتر از یک می باشد می توان گفت جنسیت تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر (۱۶,۳٪) = (۰,۸۳۷ × ۱۰۰٪) - ۱۰۰٪ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد جنسیت است. هر گاه جنسیت یک واحد به نفع زنان تغییر می یابد بقای اعضا ۱۶ درصد کاهش می یابد. احتمال ترک عضویت زنان بیشتر از مردان است. از سوی دیگر با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت ها در رابطه با متغیر سن کمتر از یک می باشد می توان گفت سن نیز تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر (۲,۰٪) = (۰,۹۸۰ × ۱۰۰٪) - ۱۰۰٪ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد سن است. هر گاه سن یک واحد افزایش می یابد بقای اعضا ۲ درصد کاهش می یابد.

بر میزان بقاء در مطالعات تحلیل تاریخچه رویداد روش های مختلفی وجود دارد که مهمترین آن استفاده از روش رگرسیون کاکس که به مدل خطرات متناسب نیز شناخته شده است. وقتی که تحقیق و بررسی اثرات چند متغیر بر روی زمان بقاء به طور همزمان مدنظر باشد مدل کاکس کاربرد فراوانی دارد به منظور سهولت هر چه بیشتر مدل خطرات متناسب کاکس را برای حالتی شروع می کنیم که خطرات غیرمتناسب و یا متغیرهای توجیهی مرتبط با زمان در مدل وجود نداشته باشد. بنابر این اگر K متغیر مستقل (x1, x2, ..., xk) داشته باشیم تابع خطر در زمان t به صورت زیر تعریف می شود:

$$h_i(t) = h_0(t) \exp\{B_1 X_{i1} + B_2 X_{i2} + B_3 X_{i3} + \dots + B_k X_{ik}\}$$

مدل کاکس، یک مدل نیمه پارامتری است و به توزیع خاصی برای زمان های بقاء نیاز ندارد؛ اما دو فرض بسیار حساس و محکم در این مدل وجود دارد. اول اینکه اثر متغیرهای مختلف بقاء و در طی زمان یکنواخت و ثابت است. دیگر اینکه این اثرات طبق قانون جمع پذیری به مقیاس خاص افزوده می شوند. با استفاده از مدل خطرات متناسب می توان خطر تجمعی را نیز برآورد کرد. بدین ترتیب که خطر مرگ در فاصله زمانی آغاز تا رخداد به طور متوالی به هم افزوده شده تا خطر متناسب تجمعی به دست آید. در ادامه نتایج این رگرسیون شرح داده شده است. در جدول (۴) نتایج آزمون برازش مدل یعنی آزمون اوپنیموس^{۱۶} نشان داده شده است. در قسمت نمره کلی^{۱۷} مدل رگرسیون کاکس ارائه شده مورد ارزیابی قرار می گیرد که می بایست به ستون معناداری آنها مراجعه نمود. در صورتی مدل مورد قبول خواهد بود که معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد. در اینجا از آنجاکه مقدار معناداری کمتر از ۰/۰۵ می باشد می توانیم بگوییم مدل برازش دارد. شایان ذکر است که خروجی این آزمون مشابه آزمون آنالیز واریانس در رگرسیون خطی است.

- 16. Omnibus Tests of Model Coefficients
- 17. Overall (score)

جدول ۵. سنجش تأثیر عوامل فردی بر بقای اعضا

تغییر از بلوک قبل ^۲			تغییر از مرحله قبل ^۱			نمره کلی			آماره برازش
معداری	ازای ^۳	اسکوپ ^۴	معداری	ازای ^۳	اسکوپ ^۴	معداری	ازای ^۳	اسکوپ ^۴	
۰,۰۰	۱۶	۱۱۰,۵۹۰	۰,۰۰	۱۶	۱۱۰,۵۹۰	۰,۰۰	۱۶	۹۳,۲۷۳	۱۶۹۱,۶۶۰

1. Change from Previous Step
2. Change from Previous Block

در رابطه با فرضیه اصلی دوم: ویژگی‌های سازمانی یا شورایی اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر است.

جدول ۶. سنجش تأثیر عوامل شورایی بر بقای اعضا

متغیرهای مستقل	مقدار B	خطای استاندارد	آماره والد	معداری	نسبت بخت ها
تعداد غیبت	-۰,۱۴۰	۰,۰۴۶	۹,۱۰۱	۰,۰۰	۰,۸۷۳
تعداد اعضا	-۰,۲۰۰	۰,۰۷۲	۷,۷۸۲	۰,۰۰	۰,۹۸۹
تعداد جلسات	۰,۰۸۸	۰,۰۶۰	۶,۵۹۹	۰,۰۰	۱,۰۱۵
رتبه اعتبار مالی	-۰,۰۹۰	۰,۰۴۴	۲,۰۱۵	۰,۰۰	۰,۹۹۱
تعداد مصوبات	۰,۱۶۵	۰,۰۷۲	۵,۲۴۱	۰,۰۰	۱,۰۱۷
سمت در شورا	-۰,۰۲۸	۰,۰۱۰	۷,۷۱۶	۰,۰۰	-

اعضا ۱ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد جلسات بیشتر از یک می‌باشد می‌توان گفت تعداد جلسات تأثیر مثبت بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(1,5) = (1,0 \times 1,015) - (1,0 \times 1,0)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد تعداد جلسات است. هر گاه تعداد جلسات شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱ درصد افزایش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر رتبه اعتبار مالی کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت رتبه اعتبار مالی تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(0,1) = (1,0 \times 0,991) - (1,0 \times 1,0)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد رتبه اعتبار مالی است. هر گاه رتبه اعتبار مالی شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۰,۱ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد مصوبات بیشتر از یک می‌باشد می‌توان گفت تعداد مصوبات تأثیر مثبت بر بقای اعضا داشته و به طور

از بین شش متغیر مستقل تعداد غیبت، تعداد اعضا، تعداد جلسات، رتبه اعتبار مالی، تعداد مصوبات و سمت در شورا، کلیه متغیرها بر زمان بقای اعضای شورای اجتماعی محلات مؤثر می‌باشند، البته با این فرض که برخی از سطوح سمت در شورا مؤثر نیستند.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد غیبت کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت تعداد غیبت تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(12,7) = (1,0 \times 0,873) - (1,0 \times 1,0)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد تعداد غیبت است. هر گاه تعداد غیبت یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱۳ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد اعضا کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت تعداد اعضا تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(1,1) = (1,0 \times 0,989) - (1,0 \times 1,0)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد تعداد اعضا است. هر گاه تعداد اعضای شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای

جدول ۷. سنجش تأثیر عوامل منطقه‌ای بر بقای اعضا

متغیرهای مستقل	مقدار B	خطای استاندارد	آماره والد	معناداری	نسبت بخت ها
رتبه منزلتی محله	-۰,۱۰۲	۰,۰۴۳	۵,۶۱۵	۰,۰۱۸	۰,۹۰۳
تعداد شورای منطقه	-۰,۱۷۹	۰,۰۷۰	۶,۴۳۷	۰,۰۱۱	۰,۸۳۶
میزان جمعیت محله	-۰,۱۶۲	۰,۰۶۰	۵,۱۱۳	۰,۰۲۴	۰,۹۴۲
تعداد مشکلات محله	-۰,۱۵۰	۰,۰۵۶	۵,۹۱۴	۰,۰۳۹	۰,۹۱۵
تعداد محله منطقه	۰,۱۶۱	۰,۰۷۱	۵,۱۰۰	۰,۰۲۴	۱,۱۷۴

دقیقت $(1,7\% = (1,07 \times 100 - 100) \%)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد تعداد مصوبات است. هر گاه تعداد مصوبات شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۲ درصد افزایش می‌یابد.

در نهایت اینکه متغیر سمت فرد عضو در شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها مؤثر است به طوریکه سمت‌های پژوهشگر محله، نماینده جوانان، رابط بهداشت، رابط خیریه، رابط دادگستری و نماینده مجتمع بیشتر تأثیر مثبت را بر بقاء دارند.

در رابطه با فرضیه اصلی سوم: ویژگی‌های محله‌ای یا شهری اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر است. (جدول ۷)

از بین هفت متغیر مستقل رتبه منزلتی محله، تعداد شورا منطقه، میزان جمعیت محله، تعداد مشکلات محله و تعداد محله منطقه، کلیه متغیرها بر زمان بقای اعضای شورای اجتماعی محلات مؤثر می‌باشند. به این صورت که:

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر رتبه منزلتی محله کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت رتبه منزلتی محله تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(9,7\% = (90,3 \times 100 - 100) \%)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد رتبه منزلتی محله است. هر گاه میزان رتبه منزلتی یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد شورای منطقه نیز کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت تعداد شورای منطقه تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(16,4\% = (83,6 \times 100 - 100) \%)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد تعداد شورای منطقه است. هر گاه تعداد شورای منطقه یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱۶ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر جمعیت محله نیز کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت جمعیت محله تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(5,8\% = (94,2 \times 100 - 100) \%)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد جمعیت محله است. هر گاه جمعیت محله یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۶ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد مشکلات محله نیز کمتر از یک می‌باشد می‌توان گفت میزان مشکلات محله تأثیر منفی بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(8,5\% = (91,5 \times 100 - 100) \%)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد از مشکلات محله است. هر گاه مشکلات محله یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۸ درصد کاهش می‌یابد.

با توجه به اینکه مقدار نسبت بخت‌ها در رابطه با متغیر تعداد محلات تأثیر مثبت بر بقای اعضا داشته و به طور دقیقتر $(1,7\% = (1,07 \times 100 - 100) \%)$ تغییر در میزان بقای اعضا به ازای تغییر در یک واحد تعداد محلات است. هر گاه تعداد محلات منطقه یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱ درصد افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برای اینکه بتوان مردم را به سمت مشارکت در مدیریت شهری سوق داده و شهر را توسط مردم و برای مردم طراحی، اجرا و مدیریت نمود، راهکارهای چندی وجود دارد که یکی از آنها تقویت سازمان‌های مردمی است. این سازمان‌ها ارتباط بین مردم و مدیران شهری را تسهیل می‌کنند و نه مردم و نه مدیران نیازی به تقابل دو به دو نمی‌باشند. از سوی دیگر استقرار اشکال سازمانی و دیکته شده از بالا به پایین برای تشکیل این نوع سازمان‌ها و

دعوت مردم به مشارکت در آن نیز تا کنون ثمره مناسبی نداشته است. چرا که این سازمان‌ها بیشتر جنبه مدیریتی داشته و تنها در رابطه با اوامر و نواهی دارای اختیارات هستند و در رابطه با نظر مردم عملاً از اختیارات خود استفاده نمی‌کنند.

برنامه‌ریزی‌های از پایین به بالا در شهرها بالاخص کلانشهرهایی همچون مشهد می‌تواند با تشکیل انجمن‌های مردمی و متشکله از دو گروه مردم و مدیران باشد. از دوران کهن تا به امروز نیز موضوع شورا، مشورت و مشارکت مردم در مدیریت شهری (همچون امنیت، نظافت، حمل و نقل) از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. یکی از نمودهای واقعی این نوع مشارکت در شهر مشهد تشکیل شورای اجتماعی محلات در سال ۱۳۸۹ است که توانستند عملکرد مناسبی از خود داشته باشد و به طوریکه اعضای شورا از روند فعالیت‌ها و برنامه‌های این شورا رضایتمند بودند. اقدام شهرداری مشهد در این زمینه دارای یک نوآوری خاص دیگری نیز می‌باشد و آن اینکه این شورا، تنها منتخب مردم نیست بلکه ترکیب اعضا مشتمل بر اعضای سازمان‌های شهری، مردم و همچنین شهرداری می‌باشد. این موضوع سبب مشارکت هرچه بیشتر اعضا در جلسات و مصوبات گردیده است. به طوریکه انگیزه اصلی آنها در تبادل نظر شنوآبودن نمایندگان سازمانها (کلانتری، بهداشت و ...) و همچنین اجرا شدن سریعتر امور می‌باشد. در هر صورت بعد از گذشت چهار سال از فعالیت این شورا به نظر می‌رسد که برخی از اعضا به دلایلی از فعالیت در آن انصراف می‌دهند. خروج از شوراها و انجمن‌های مردمی دلایل مختلفی دارد که در این مقاله بدان اشاراتی گردید. روشی که برای سنجش میزان بقاء و عوامل کلیدی مؤثر بر آن در نظر گرفت تحلیل بقاء است که در علوم اجتماعی بدان تحلیل تاریخچه رویداد اطلاق می‌کنند.

نتیجه اول: یافته‌های حاصل از این پژوهش در سه بخش اصلی در قالب آزمون فرضیات آورده شده است و نشان از آن دارد که، در زمینه متغیرهای جمعیت شناختی، هر گاه جنسیت یک واحد به نفع زنان تغییر می‌یابد بقای اعضا ۱۶ درصد کاهش می‌یابد پس احتمال ترک عضویت زنان بیشتر از مردان است. هر گاه سن یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۲ درصد کاهش می‌یابد پس افراد مسن از افراد جوان بیشتر در شورای اجتماعی محلات باقی می‌مانند.

- بنابراین در رابطه با فرضیه اول می‌توان گفت که از بین ویژگی‌های فردی یا جمعیت شناختی اعضای شورای اجتماعی محلات متغیرهای جنسیت و سن بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر هستند. **نتیجه دوم:** در زمینه متغیرهای مرتبط با شورا، هر گاه تعداد غیبت یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱۳ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه تعداد اعضای شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه تعداد جلسات شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱ درصد افزایش می‌یابد. هر گاه رتبه اعتبار مالی شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۰٫۱ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه تعداد مصوبات شورا یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۲ درصد افزایش می‌یابد. در نهایت اینکه متغیر سمت فرد عضو در شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها مؤثر است به طوریکه سمت‌های پژوهشگر محله، نماینده جوانان، رابط بهداشت، رابط خیریه، رابط دادگستری و نماینده مجتمع بیشتر تأثیر مثبت را بر بقاء دارند.

- بنابراین در رابطه با فرضیه دوم می‌توان گفت که کلیه ویژگی‌های شورایی اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر هستند.

نتیجه سوم: در زمینه متغیرهای محله‌ای شهری نیز، هر گاه میزان رتبه منزلتی یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه تعداد شورای منطقه یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱۶ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه جمعیت محله یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۶ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه مشکلات محله یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۸ درصد کاهش می‌یابد. هر گاه تعداد محلات منطقه یک واحد افزایش می‌یابد بقای اعضا ۱ درصد افزایش می‌یابد.

- بنابراین در رابطه با فرضیه سوک می‌توان گفت که کلیه ویژگی‌های منطقه‌ای شهری اعضای شورای اجتماعی محلات بر بقای آنها در عضویت در شورا مؤثر هستند.

حال برای افزایش بقای عضویت اعضای شورای اجتماعی محلات چه باید کرد. همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد بیشترین علت ترک عضویت در عملکرد شورا نهنفته است و پس از آن متغیرهای جمعیتی و منطقه ای. لذا است که در ابتدا باید به گروه شورا و فعالیت‌های آن تمرکز

[Persian]

6. Chitsazian AR, Mortazavi, S. (۲۰۱۱), and to investigate the factors influencing the phenomenon of "social loafing" in group activities (case study: University study groups Imam Sadiq (AS)), strategic management thought (idea management), Volume ۴, Number ۱ ۱۸۰-۱۶۱ ;(۷). [Persian]
7. Cleave, S. and Doherty, A. (۲۰۰۵). "Understanding volunteer and no volunteer constraints": a mixed-method approach. Eleventh Canadian Congress on Leisure Research. May ۲۰-۱۷.
8. Ghatak, M and Ghatak, M, (۱۹۹۵) Recent Reforms in Panchayat System in West Bengal: Towards Greater Participatory Government? Department of Economics University of Chicago.
9. Giddens, A. (۲۰۱۳). The third way: The renewal of social democracy. John Wiley & Sons.
10. Imani Jajarmi, H. Nawab, A. (۲۰۱۵) examine ways to achieve sustainable earnings-based administrators the capacity of the local community, Community Development Journal, Volume ۶, Number ۲: pp. ۲۵۴-۲۳۳. [Persian]
11. Johnson, B. (۲۰۰۷). Collective Action, City Council Committees, and State Aid to Cities. Urban Affairs Review, ۴۷۸-۴۵۷ ,(۴)۴۲.
12. Lowndes, V. & Wilson, D. (۲۰۰۱). Social capital and local governance: exploring the institutional design variable. Political Studies, -۶۲۹ ,(۴)۴۹

نموده و پس از آن نیز در رابطه با انتخاب و صلاحیت افراد متقاضی دقت نظر نمود. به طور خلاصه برای افزایش بقای اعضا با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان، مشارکت افراد مسن، ریش سفید و صاحبان تجربه را در عضویت تسهیل نمود. غیبت اعضا را کاسته و برای غیبت جریمه در نظر گرفت. تعداد اعضا را متناسب با ظرفیت محله تعریف کرد. تعداد جلسات را متناسب با مشکلات و مصوبات تعریف کرد. هزینه‌های اضافی و مبالغ بیهوده را حذف نمود. تعداد مصوبات را حد توان اعضا کاهش داد. از افراد خلاق و مبتکر محله بیشتر در عضویت دعوت به عمل آورد. مدیریت ستادی شوراهای مناطقی که تعداد شورای آن بالاست را تقویت نموده و همچنین مدیریت شهری در این مناطق حمایت بیشتری نماید.

منابع و ماخذ

1. Arnstein, S.R., ۱۹۶۹. A Ladder of Citizen Participation. Boston: American Institute of Planners, -۲۱۶ ۲۲۴.
2. Azerbaijani Karimi, Daryae, J. (۲۰۰۸), the effect on the effectiveness of municipal council's function (Case Study: City Council and Municipal of Abadeh), Journal of Humanities and Social Sciences, Volume ۷, Number ۲۵ (for management); pp ۲۸-۱۳. [Persian]
3. Azkia, M. Imani, J.H. (۲۰۰۶), sociological analysis of the efficiency of city councils, letters social science: Winter ۱۳۸۴, Volume ۱۱, Issue ۲۶) ۴); pp ۶۴-۳۳. [Persian]
4. BarakPoor, N. (۲۰۰۹), urban governance and urban management system in Iran, Conference Planning and Urban Management, Jlddvm, Mashhad. [Persian]
5. Chalabi, M. (۱۳۷۵), the sociology order, explaining the theory of social order, Tehran: Ney publication.



- Urban Renewal in Manila in website www.csur.t.u-tokyo.ac.jp/ws2004/papers/B-1Oana.pdf.
20. Pishgahi fard, Z, Salman zadeh, A, Pourmousavi M., Ahmadi Firouzjai, M, Ramezani N (۲۰۱۳), clarifying the role of the City Council in the spatial distribution of political power in Iran with an emphasis on social capital theory, and Spatial Planning (Madras Science human), Volume ۱۶, Issue ۳(۱); pp ۶۱-۴۳. [Persian]
 21. Putnam, Robert, Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton University Press, ۱۹۹۳.
 22. Rahnamaee MT, Mohammadpour S, Eskandari H. (۲۰۱۲) analyze the role of migration in the context of rapid urbanization to the emergence of social problems in Iran, new attitude in Human Geography (Human Geography), Volume ۳, Number ۱; pp ۱۷۵-۱۵۷. [Persian]
 23. Rasouli, R.; Karimian A., Salehi A, (۲۰۱۲), investigated people's attitudes towards city councils and "evaluate the performance of Islamic Councils" in East Azerbaijan province in ۱۳۸۷ urban management: Fall-Winter ۱۳۸۹, Volume ۸, Number ۲۶; pp -۲۷ ۴۰. [Persian]
 24. Reforma, M and De Guzman, R, (۱۹۹۳) Decentralization Towards Democrization and Development, EROPA, Japan.
 25. Rietbergen-McCracken, J., ۱۹۹۸. Participation and social assessment (Tools and techniques), The world ۶۴۷.
 13. Maloney, W. Smith, G. & Stoker, G. (۲۰۰۰). Social capital and urban governance: adding a more contextualized 'top-down' perspective. Political Studies, ۸۲۰-۸۰۲, (۴)۴۸.
 14. Masoudi Hamid (۲۰۱۴), the current status of Social Council of Neighborhoods Mashhad in terms of its members, project, Mashhad Municipality. [Persian]
 15. Memarzade Tehran G., Bohlulizab, N, (۲۰۱۱), providing an effective pattern of function city councils (Case study: Tabriz City Council) productivity management, Vol. ۳, No. ۹: pp ۷۵-۵۱. [Persian]
 16. Meshkini, A., Khalaj, A. and Azizi, H, (۲۰۱۳), examines the role of citizen participation in the realization of the objectives of the new cities in Iran, Case study Sadra new town, urban planning and landscape Geography Zagros, Issue ۱۳: pp ۴۷-۲۶. [Persian]
 17. Moezzi Moghadam, H, (۲۰۰۹), assessment of urban development plans and the reasons for their non-realization of Iran, Journal of the village, (۵۰): pp ۲۴-۱۲. [Persian]
 18. Mohammadi AR, Pashazade, A (۲۰۱۶), assessment of the sustainability of Ardabil Neighborhoods with an emphasis on rural core neighborhoods, Urban Studies, Volume and Issue: Volume ۳, Issue ۱۱: pp ۹۸-۱. [Persian]
 19. Oaña, J.R(۲۰۰۱), A Community-based Approach for Sustainable

31. Sheydaee, I. Dehghani, A. (۲۰۱۲), the role of public participation in rural development with an emphasis on traditional and new partnerships (case study: the central city Nurabad mamasani), Journal of Applied Sociology, Vol. ۲۱, No. ۳۷ the first issue. [Persian]
32. Turky Najafabadi, A. (۲۰۱۰), Introduction to survival analysis, Isfahan, Isfahan, Planning Department. [Persian]
33. United Nations, (۱۹۶۶) Local Government Personnel System, United Nation Publication.
34. Vogel sang Coombs, V. (۲۰۱۲). Toward the Civil City Council. State and Local Government Review, ۰۱۶۰۳۲۳X۱۲۴۵۷۱۸۴.
35. Zahedi yeganeh, A. Ghorbani, M. (۲۰۱۲), the influence of neighborhood management schemes in citizen participation in urban governance, citizenship and management of neighborhood rights and duties of Congress, the Department of Social and Cultural Studies in collaboration with the University of Tehran Islamic Azad. [Persian]
- bank, Washington, U.S.A.
26. Roshanfekar, p, Zokaei MS (۲۰۰۹) Youths, Social capitaql and voluntary behaviors, Volume ۶, Number ۲۳; pp ۱۴۶-۱۱۳. [Persian]
27. Sadeghi, M. Rahnama, MR, (۲۰۱۵), explaining the structural - functional urban participative management (case study: the city of Mashhad) Research of human geography (geographical research): Spring ۱۳۹۲, Volume ۴۵, Number ۱: pp ۱۸۴-۱۶۹. [Persian]
28. Secretariat of the Social Council of Mashhad city neighborhoods, the report Statutes, Regulations and perspective Social Council districts, approved in ۲۰۱۵. [Persian]
29. Shahrani F, Farooqi, M., Mortazavi, A, Asadi G. (۲۰۱۳) investigate the causes of loss and reduction Red Crescent volunteers and provide suitable solutions for lasting Member Therefore rescue: ۱۳۹۱, Volume ۴, Number ۳; pp -۴۷ ۵۸. [Persian]
30. Sharifian Sani, M. (۲۰۰۳), citizen participation, urban governance, urban management Quarterly, No. ۸, in the second year. [Persian]



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی